

گفت‌وگو

در گفت‌وگو با مسئول دبیرخانه ملی کنگره جهانی حضرت رضا(ع) تشریح شد

صدای مقاومت ایران از حنجره «عقلانیت رضوی»

در روزهایی که منطقه و ایران اسلامی شرایط حساس و سرنوشت‌سازی را پشت سر می‌گذارند، برگزاری رویدادهایی با وسعت جهانی می‌تواند ویتترین اقتدار علمی و فرهنگی کشور باشد. کنگره جهانی حضرت رضاع(ع) که همواره کانون توجه اندیشمندان بوده، این بار با شعار «کرامت انسانی» به میدان آمده است.

در این زمینه گفت‌وگویی داشتیم با حجت الاسلام‌والمسلمین دکتر علی الهی خراسانی، مسئول دبیرخانه ملی کنگره تا از چندوچون این رویداد بزرگ و چالش‌های برگزاری آن در شرایط فعلی جویا شویم.

■ بگذارید از شعار اصلی کنگره شروع کنیم. در شرایطی که منطقه درگیر تنش است، چرا «کرامت انسانی» به‌عنوان محور مقاومت انتخاب شد؟

شعار «کرامت انسانی» یک انتخاب صرفاً اخلاقی نیست؛ این دقیقاً پاسخ ما به شرایط پیچیده و پرتنش امروز است. ما در برابر قلدران جهان، بر سر مقاومت کریمانه ایستاده‌ایم. هدف ما در کنگره جهانی حضرت رضاع(ع) این است که باتکیه‌بر سیره و عقلانیت رضوی، صدای این مقاومت را از سطح احساسات محض به سطح یک گفت‌مان علمی و بین‌المللی ارتقا دهیم. حرف حساب ما این است که صلح پایدار تنها در سایه عدالت و حفظ کرامت انسان‌ها ممکن است و میراث امام رضا(ع) دقیقاً همان الگوی جامعی است که جهان امروز تشنه آن است.

■ چقدر در جذب نخبگانی که لزوماً مسلمان نیستند موفق بوده‌اید؟ آیا این پیام فراتر از مرزهای مذهبی هم شنیده شده است؟

خوشبختانه بله. ما در این دوره شاهد مشارکت پژوهشگرانی هستیم که حتی مسلمان نیستند؛ اما حول محور اخلاق و عدالت با ما هم کلام شده‌اند. این نشان‌دهنده ظرفیت عظیم گفت‌مان رضوی است که از مرزهای جغرافیایی و دینی عبور می‌کند. این کنگره به‌واقع به‌بستری برای یک گفت‌وگوی واقعی میان‌فرهنگی تبدیل شده است.

■ به‌هرحال شرایط جنگی و محدودیت‌های دیپلماتیک بررفت‌وآمدهای بین‌المللی اثر می‌گذارد. دبیرخانه برای این موضوع چه تدبیری داشته است؟

قطعاً شرایط منطقه بی‌تأثیر نبوده، اما ما این چالش‌را به یک فرصت تبدیل کردیم. با تقویت زیرساخت‌های نوین، وبینارهای تخصصی و پنل‌های مجازی را گسترش دادیم. جالب است بدانید که امکان ارسال و داوری آنلاین مقالات نه تنها ارتباط ما را با جهان قطع نکرد، بلکه در مواردی سبب تقویت و سهولت رابطه علمی با پژوهشگران خارجی شد.

■ آیا در مقالات رسیده، ردی از تحولات اخیر و موضوع «مقاومت» دیده می‌شود؟

آثار قابل توجهی داریم که به موضوعاتی مثل ایستادگی در برابر ظلم پرداخته‌اند. نکته کلیدی این مقالات آن است که ثابت می‌کنند «مقاومت» در اندیشه رضوی، صرفاً یک تاکتیک سیاسی نیست؛ بلکه ریشه در یک مسئولیت اخلاقی و حق کرامت انسانی دارد.

■ ما در این مسیر داغدار رهبر شهیدمان هستیم. دبیرخانه چگونه میراث فکری ایشان را در حوزه معارف رضوی دنبال می‌کند؟

تأکیدات ایشان بر تولید علم و آن نگاه تمدنی که به معارف رضوی داشتند، چراغ راه ماست. ما تلاش کردیم با تعریف محورهای علمی مسئله‌محور، این نگاه تمدنی را زنده نگه داریم. هدف ما این است پژوهش‌ها فقط در کتابخانه‌ها نماند و به جریانی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تبدیل شود.

■ پیام کلی برگزاری کنگره در این بازه زمانی خاص را چه می‌دانید؛ به‌خصوص باتوجه‌به اینکه به دلیل شرایط جنگی زمان برگزاری احتمالاً کمی جابه‌جا شود؟

پیام ما روشن است؛ ایران اسلامی با وجود همه فشارها و جنگ‌های ظالمانه، هرگز از مسیر توسعه علمی و گفت‌وگوی فرهنگی عقب‌نشین نمی‌کند. برگزاری این کنگره نماد ثبات فرهنگی و اقتدار علمی ماست. البته همان‌طور که اشاره کردید، احتمالاً برگزاری مراسم نهایی پس از ایام جنگ و با کمی تأخیر نسبت به زمان اولیه خواهد بود تا در فضایی مناسب‌تر میزبان میهمانان باشیم.

■ به‌عنوان سؤال پایانی از شما که استاد علوم اسلامی و پژوهشگر سیره ائمه اطهار(ع) هستید، یک‌لحظه تصور کنیم اگر همین امروز امام رضا(ع) در میان ما بودند، مهم‌ترین توصیه ایشان به ما چه بود؟

به گمان من، مهم‌ترین توصیه ایشان مقاومت هم‌افزا و اتحاد بود. ایشان یقیناً بر ایستادگی در برابر ظالمان از مسیر روشنگری و عقلانیت تأکید می‌کردند. مقاومتی که در آن، مردم با گفت‌وگو و پذیرش یکدیگر، در کنار هم متحد می‌شوند تا در برابر هجوم بیگانه سد محکمی بسازند.

مریم احمدی شیروان | گاهی نوروز، پیش از آنکه با شکوهِ و هفت‌سین برسد، از راه یک دل‌روشن خودش را به خانه‌ها می‌رساند؛ از راه نذری که بی‌صدا بسته می‌شود، اماردش تا دورترین خانه‌هاهم می‌ماند. در روزهای آخر اسفند، وقتی بهار هنوز آرام آرام خودش را به شهر می‌رساند، می‌شد امید را در دست‌هایی دید که به‌نام امام مهربانی‌ها گشوده‌شده‌بودند؛ همان‌جا که یک نیت خالص می‌توانست برای کودکی لباس عید باشد و برای مادری، آرامش دیدن لبخند فرزند. در آستان امام‌رئوف(ع) نذر از یک نیت‌شخصی فراتر می‌رود و به جریانی از مهربانی بدل می‌شود؛ جریانی که می‌تواند عید را نه فقط به خانه‌ها، که به دل‌های منتظر و کم‌امید برساند.

■ از صحن مهربانی تا خانه‌های منتظر

آخرهای اسفند بود؛ همان روزهایی که بوی بهار از تقویم بیرون می‌زند و در خانه‌ها کم‌کم صدای خانه‌تکانی، خرید عید، سبزه و ماهی و گفت‌وگوی کودکان دربارهِ لباس نومی‌پیچد. در خانه‌ای ساده و اجاره‌ای، زهرا آرام سفره‌ناهار را جمع می‌کرد و هر بار که نگاهش به تلویزیون می‌افتاد، تصویر ویتترین‌های پرزرق‌وبرق، لباس‌های نو و هیاهوی خرید نوروزی دلش را بیشتر می‌لرزاند.

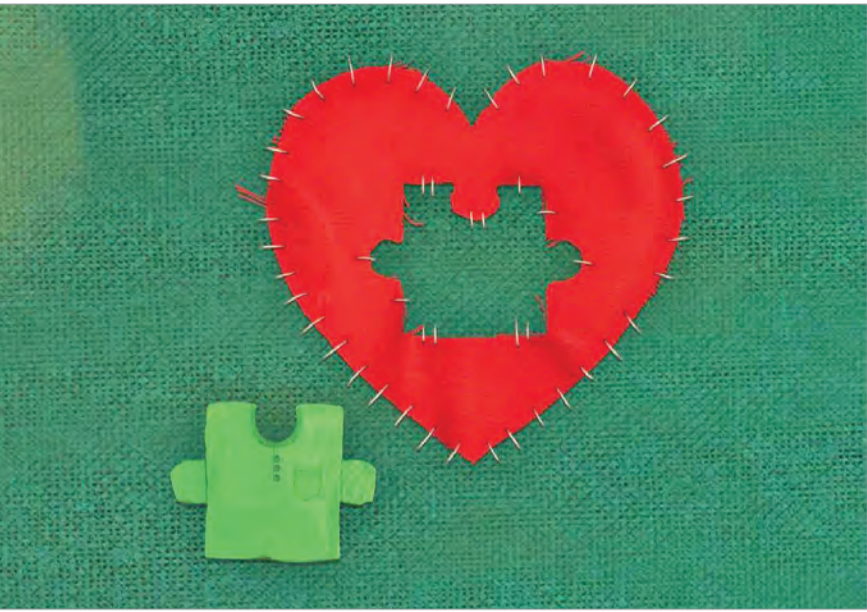
روبه‌رویش سه فرزندش نشسته بودند؛ سه جفت چشم منتظر و سه دل کوچک که خوب می‌دانستند لباس نو، یعنی عید. زهرا اما خوب می‌دانست که حساب‌زدگی همیشه با خواسته‌های بچه‌ها جور در نمی‌آید. همسرش چند ماه قبل در یک تصادف از دنیا رفته بود و حالا او مانده بود و سه کودک قد و نیم‌قد و خانه‌ای که باید با کار در کارگاه خیاطی، از پس خرجش برمی‌آمد.

مادر بودن در چنین روزهایی، یعنی ایستادن میان عشق به بچه‌ها و رنج دست‌های خالی؛ به‌ویژه وقتی با شوق می‌پرسند: «امامان، امسال هم لباس نو داریم؟» زهره هنوز پاسخی برای این سؤال‌ها نداشت که تلغن هم‌راهش لرزید. یک پیامک کوتاه؛ ساده، بی‌سروصدا؛ اما در دلش تمام بهار را به آن خانه آورده بود. وقتی پیام را خواند، لحظه‌ای مکث کرد. بعد لب‌هایش لرزید، چشم‌هایش خیس شد. مادر اشکش را پاک کرد و در حالی که بچه‌ها با کنج‌کاوِی به صفحه گوشی چشم دوخته بودند، گفت: «آقا نداشت شرمنده بشم. امسال عید رو برامون فرستاده توی همین گوشی؛ بشینید کنار ما تا هم برگردیم و قشنگ‌ترین لباس‌ها رو به سلیقه خودتون سفارش بدیم.» همان جمله کافی بود تا خانه‌ای که تا چند لحظه پیش رنگ نگرانی داشت، آرام آرام رنگ شوق بگیرد. سفره جمع شد، بچه‌ها کنار مادر نشستند و از همان جا، اولین قدم برای خرید عید برداشته شد؛ خریدی که قرار نبود با منت همراه باشد. قرار نبود به دست کسی تحمیل شود و قرار نبود چیزی از کرامت این خانواده کم کند.

■ عیدانه‌ای که با انتخاب معنا پیدا کرد

در آستانه نوروز ۱۴۰۵، آستان قدس رضوی با همراهی ناذران و خیران و مردم نیک‌اندیش، طرحی را به اجرا گذاشت که فراتر از یک بسته حمایتی معمولی بود. در این طرح، بیش از ۶۰ هزار نفر از ایتم‌و احسان‌پذیران، امکان در یافت پوشاک نوروزی را پیدا کردند؛ آن هم نه به شکل یک تحویل ساده و

نذری که لباس عید شد



یک طرفه، بلکه از مسیر انتخاب مستقیم و با حفظ شأن و حرمت خانواده‌ها.
۱۱۰میلیارد تومان برای این اقدام اختصاص یافت؛ رقمی که در ظاهر یک عدد است، اما در باطنش صدها هزار لبخند، تصمیم، انتخاب و حس دیده‌شدن نهفته است. این طرح به خانواده‌ها اجازه می‌دهد پوشاک مورد نیاز فرزندان‌شان را خودشان و از میان فروشگاه‌های متنوع انتخاب کنند؛ شیوه‌ای که شاید در نگاه اول فقط یک مدل خرید به‌نظر برسد، اما در واقع نشانه‌ای از یک نگاه عمیق تر است؛ کمک، وقتی اثرگذار می‌شود که کرامت را دست‌نخورده نگه دارد.

بنیاد کرامت‌رضوی در این مسیر با استفاده از سکوهای مجازی و فروشگاه‌های طرف قرارداد، بستری فراهم کرده تا خانواده‌ها با اطلاع‌رسانی پیامکی و سازوکارهای مشخص، فرایند خرید را آغاز کنند. این یعنی کمک به‌جای آنکه شکل یک بسته‌از پیش آماده و بی‌نام‌ونشان داشته باشد، به تجربه‌ای انسانی و انتخاب‌محور تبدیل شده است؛ تجربه‌ای که در آن کودک می‌تواند رنگ لباسش را خودش انتخاب کند، مادر می‌تواند اندازه و سلیقه فرزندش را لحاظ کند و خانواده، در عین نیاز، احساس بی‌اختیاری نکنند.

از همین جاست که معنای واقعی این طرح روشن می‌شود: عید فقط زمانی عید است که کودک، در کنار شادی، احساس احترام هم‌بکند.

■ لبخند از پشت گوشی

برای بسیاری از خانواده‌های احسان‌پذیر، این خرید تنها تمیّه پوشاک نبود؛ یک روزنه بود. روزنه‌ای به سمت نرمی روزهای پیش‌رو، به سمت لبخند بچه‌ها، به سمت آن حس قدیمی و دوست‌داشتنی که در کودکی همه ما آشناست: لباس نو، کفش نو و شوقی که تا شش عید در دل می‌ماند. زهراگوشی را به دست دختر بزرگ‌ترش داد تا رنگ‌ها را نگاه‌کند. پسر خانواده بین مدل‌های چرخید و دختر کوچک، با ذوقی

روایتی از شادی بی‌منت نوروزی برای هزاران کودک احسان‌پذیر؛ جایی که کرامت با انتخاب آزاد و دل‌های امیدوار معنا شد

■ نذر، وقتی به زندگی می‌رسد

نوروز برای بعضی‌ها از خرید سبزه و ماهی و لباس نو آغاز می‌شود؛ برای بعضی دیگر اما از رسیدن یک پیامک امیدبخش. طرح ایتم احسان‌پذیر بنیاد کرامت رضوی در آستانه سال نو، نشان داد مهربانی اگر درست سازماندهی شود و بر مدار کرامت‌بخرد، می‌تواند از حد یک کمک معیشتی فراتر برود و به بازگرداندن حس عزت و آرامش به خانواده‌ها بینجامد.

در خانه زهرا، آن روز عید زودتر از تقویم رسید. بچه‌ها لباس‌های نو انتخاب کردند، مادر لبخند زد و قاب عکس پدر، در سکوت، شاهد بود که در سایه امام رئوف(ع) دل‌های کوچک هنوز هم می‌توانند بهار را تجربه کنند و شاید راز ماندگاری این روایت همین باشد که در آستان حضرت رضاع(ع)، نذر فقط برای رفع نیاز نیست؛ برای روشن کردن دل‌هاست. برای آنکه هیچ کودک احسان‌پذیری، عید را با حس کمبود آغاز نکند. برای آنکه دست مهربانی، از صحن و سرای رضوی تا خانه‌های ساده و بی‌پیرایه امتداد پیدا کند و نور امید را به سفره‌های کوچک برساند.

■ ادامه راه مهربانی امام رئوف(ع)

در فرهنگ شیعه، رسیدگی به یتیم جایگاهی بلند و فراموش‌نشدنی دارد. روایت‌های دینی، دلجویی از یتیم را از برترین اعمال دانسته‌اند و سیره اهل بیت(ع) نیز سرشار از توجه به محرومان و بی‌پناهان است. از همین رو است که هر جا نام امام رضا(ع) با خدمت به نیازمندان گره می‌خورد، این احساس در دل مردم زنده می‌شود که نذرشان می‌تواند ادامه همان راه روشن باشد؛ راهی که به مهربانی، دست‌گیری و حفظ کرامت انسان ختم می‌شود.

نذرهایی که در مسیر آستان قدس رضوی قرار می‌گیرد، می‌تواند به شکل‌های گوناگون به زندگی نیازمندان برسد؛ گاهی لباسی نو، گاهی سبدی غذایی، گاهی یک وعده غذای متبرک و گاهی حتی جهیزیه‌ای ساده برای آغاز زندگی. این زنجیره مهربانی، از نیت‌های کوچک و بزرگ آغاز می‌شود و در نهایت به خانه‌هایی می‌رسد که بیش از هر چیز، به امید نیاز دارند.

نوروز امسال نیز برای هزاران کودک یتیم و خانواده احسان‌پذیر، با همین مهربانی آغاز شد؛ کودکانی که شاید ندانند پشت لباس‌های نو، لبخندهایشان چه شکله‌ای از محبت است گرفته‌است، اما بی‌تردید گرم‌ای آن را در جان خود حس کرده‌اند و شاید در نهایت، همه این مسیر به یک نقطه برسد: به همان گنبد طلایی که سال‌هاست مأمَن دل‌های امیدوار است و هنوز هم سایه مهربانی اش بر خانه‌های بسیاری در این سرزمین گسترده مانده است.

روایتی از مدرسه‌ای به وسعت خیابان‌های ایران و حضور دانش‌آموزان

دانش‌آموزان ایران، حاضر!

پسران جوانی با حمایل سبز رنگ «خادم‌الرضاع(ع)» نیز جای آماده می‌کنند، نظم‌دهی کرده و نذورات را توزیع می‌کنند. با نگاهی عمیق می‌شود متوجه لبخندهای از ته دلشان شد، خنده‌هایی که با دیدن هر لحظه شلوغ‌تر شدن خیابان و افزایش هم‌صدایی مردم به امید پیروزی سریع‌تر بر لب‌هایشان نقش می‌بندد.

■ سن و سال اینجا معنا ندارد

دختر کوچکی با مقنعه صورتی که بر سرش بزرگ به نظر می‌رسد، پرچم در دست دارد. آن طرف‌تر دختران و پسرانی هستند که باید آقا و خانم صدایشان بزنیم؛ مشخص است که سال دوازدهمی هستند و برای کنکور آماده می‌شوند، اما صبح تا شش درس و شب‌ها در خیابان‌ها حاضر می‌شوند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «این وظیفه ما در این ایام ویژه است». دختر دیگری از پیش‌دبستانی امام رضا(ع)، با چادری بر سر، لپ‌تاپ قرمزی در دست و عینکی بر چشمش، شعری حماسی می‌خواند و او هم جلوه‌گری از غرور و غیرت نونهالان ایرانی بود: «هر شب زمان به وقت ملاقات رودها/ رودهای شهر خروشان رسیده‌اند.» صدای کودکان‌اش، مثل زنگی است که از قلب‌ها می‌خواند. زنگی که احتمالاً در آینده هم در کلاس‌هایی که خود او معلمش خواهد بود، نواخته می‌شود و در تاریخ از روایات این شب‌ها و این اتحاد ملی سخن می‌گوید.

■ یاد شهیدان دانش‌آموز میناب

تخته سیاهی در میان خیابان با عکس شهیدان دانش‌آموز میناب و صندلی‌های کلاس درس قرار گرفته است. دیدن دوباره و دوباره این تصویر و یادآوری این درد، بی‌شک

ابتدای جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونی، هر شب چون شگفتانه‌ای بی‌پایان ادامه‌دار بوده است و انگار قرار نیست به‌راحتی هم زمین گذاشته شود. صدای خنده کودکان از میان جمعیت بلند می‌شود. مادران با دست‌های پرچم‌دار در کنار کودکان؛ پدران با شانه‌های استوار؛ همه، یکی شده‌اند. خیابان و این موکب چنان مدرسه‌ای برای ایران شده است که هر لحظه آن، درسی به تاریخ و بدخواهان این آب‌و‌خاک است.

■ معلمی که درس وطن می‌دهد

مجری برنامه، معلمی است که می‌داند چگونه درس را از کلاس به خیابان بیاورد. با فریاد می‌گوید: «این جابه‌جایی ابرقدرت‌ها، همه به‌خاطر قدرتی است به نام جمهوری اسلامی ایران». صدایش در سراسر بولوار می‌پیچد و کودکان با دست‌های کوچک، مشت‌هایشان را بالا می‌برند. معلم بلندتر فریاد می‌زند، آن هم در میانه شب‌هایی که در آسمان به‌جای ستاره، انهدام یک‌یکی یکتی پرتابه‌های دشمن توسط پدافند می‌درخشد: «فکر می‌کردند ما می‌ترسیم، اما کور خوانده‌اند، این شب‌ها برای کشورمان، با فرزندان دهه نودی‌مان، با تمام خانواده‌مان آمده‌ایم و خواهیم آمد… الله‌اکبر…».

■ حمایل‌های سبز در موکب

دخترانی را ردا و حمایل سبز خادمی امام رضا(ع) در موکب مشغول خدمت در غرفه مخصوص کودکان هستند. کودکان را به نقاشی و رنگ‌آمیزی پرچم مقدس ایران دعوت می‌کنند و در کنار لبخند کودکان، به آن‌ها یاد می‌دهند چگونه همراه با خدای مهربان حامی وطن باشیم.

